

مقدمه‌ای بر خوشی‌ها و روزها آنا تول فرانس . ترجمه مهدی سبحانی

۱۸۷ چرا از من خواسته کتابش را به ذهن‌های کنجکاو ارائه کنم؟ و من چرا قول این کار بس خوشایند اما سخت عبث را به او داده‌ام؟ کتابش چون چهره‌ای جوان آکنده از جاذبه‌ای کمیاب و لطفی برازنده است. خود سفارش خویشتن را می‌کند، از خود سخن می‌گوید و خواسته ناخواسته از آن خواننده می‌شود. بدون شک کتاب جوانی است. جوانی مؤلف جوانش را دارد. اما به پیری جهان پیر هم هست. بهار برگ‌های تازه بر شاخه‌های کهن، در جنگل قدیمی است. جوانه‌های تازه‌اش پنداری از گذشته ژرف بیشه‌ها غمین و سوگوار بیشمار بهار مرده‌اند. هر یود اندیشناک^۱ کارها و روزهایش را برای بزچرانان هلیکون می‌خواند. غمناک‌تر است خواندن خوشی‌ها و روزها برای مردان و زنان محافل ما اگر، چنانکه آن دولتمدار انگلیسی می‌گوید، زندگی بدون خوشی تحمل کردنی باشد. از همین رو کتاب دوست جوان ما را لبخندهایی خسته است، رفتارهایی ستوهیده که هم زیبا و هم نژاده‌اند. حتی اندوهش هم خوشایند است و تازگی بسیار دارد، چه ذهنی با قدرت نظاره حیرت‌آور، اندیشه‌ای آزاد و کاونده و براستی

نازک‌بین آن را هدایت و حمایت می‌کند. این تقویم خوشی‌ها و روزها هم ساعت‌های طبیعت را به یاری نگاره‌هایی موزون از آسمان و دریا و بیشه‌ها می‌نمایاند و هم ساعت‌های آدمی را، در تک‌چهره‌هایی دقیق و در صحنه‌هایی از زندگی هر روزه که به چیرگی شگرفی تصویر شده‌اند.

مارسل پروست از توصیف شوکت اندوهناک خورشید شامگاهی و بهبودگی‌های



مارسل و درستانش در مهمانی عصر.

تشویش‌آمیز ذهنی اسنوب به یک اندازه لذت می‌برد. استادانه به روایت دردهایی برانزده، رنج‌هایی ساختگی می‌پردازد که دستکم عذابشان همسنگ دردها و رنج‌هایی است که طبیعت با سخاوتی مادرانه نصیب ما می‌کند. باید بگویم که این رنج‌های برساخته، این دردهایی که نوع بشری کشفشان کرده است، این دردهای هنری به گمان من بی‌نهایت مهم و ارزشمندند، و از مارسل پروست سپاسگزارم که برخی نمونه‌های گزیده از آنها را بررسی و تعریف کرده است.

مارسل پروست ما را با خود به فضای گلخانه‌گرمی، میان ارکیده‌های دانایی می‌برد که زندگی شگرف و بیماروارشان خوراک از خاک نمی‌گیرد. ناگهان، هوای سنگین و لذت‌ناک را تیرتابانکی می‌پیماید، اژدری که چون شعاع پزشک آلمانی^۱ از بدن‌ها و جسم‌ها می‌گذرد. شاعر یکباره در اندیشه‌های پنهان و در هوس‌های به زبان نیامده رخنه می‌کند.

این شیوه و هنر اوست. و چیرگی و دقتی در کار می‌کند که از تیراندازی به جوانی او عجیب می‌نماید. آنچه می‌کند به هیچ روی غرض نیست. اما چنان صمیمی و چنان حقیقی است که ساده می‌نماید و همینش خوش می‌آید. در او می‌توان اثری از برناردن دوسن پیر^۲، اما هرزه، و پترونیو^۴، اما ساده دل، دید. خوشابه حال کتاب او! معطر از گل‌هایی در همه شهر می‌گردد که مادلن لومر^۵ با دستی خدایی در آن کاشته است. دستی که گل‌ها را با ژاله‌هایشان با هم می‌افشانند. ♦♦



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. هزیود، شاعر یونانی نیمه قرن هشتم پیش از میلاد چند منظومه حکمت آمیز دارد و از آن جمله است کارها و روزها که در ستایش از کار و کوشش و قناعت و سامان زندگی خانواده است. پروست در انتخاب عنوان کتاب خود به روشنی به عنوان کتاب هزیود نظر داشته است و این انتخاب، که از نیش و کنایه (نسبت به عمده قهرمانان کتابش، و طبعاً خودش) عاری نیست نمودار برداشت نقدآمیزی است که پروست همواره از زندگی عبث محفلی داشته است. برداشتی که هم در انگیزه نگارش اثر بزرگش و هم در محتوای آن تبلور می‌یابد.
۲. ویلهلم گنراد رونتگن (۱۸۴۵-۱۹۲۳). کاشف اشعه ایکس
۳. ژاک هانری برناردن دوسن پیر (۱۸۱۴-۱۷۳۷) نویسنده فرانسوی از پیشروان رمانتیسیم
۴. کایوس پترونیوس آریتیر، معروف به پترونیو نویسنده لاتین سده اول میلادی.
۵. مادلن لومر زن نقاشی است که در زمان پروست سرشناس بود، نخستین چاپ کتاب خوشی‌ها و روزها مصور به چند آبرنگ او انتشار یافت.



موسسه تخصصی
آموزش زبان

موسسه تخصصی آموزش زبان
آموزش زبان تخصصی
آموزش زبان عمومی
آموزش زبان انگلیسی
آموزش زبان فرانسوی
آموزش زبان آلمانی
آموزش زبان ایتالیایی
آموزش زبان اسپانیایی
آموزش زبان روسی
آموزش زبان چینی
آموزش زبان ژاپنی
آموزش زبان کره‌ای
آموزش زبان عربی
آموزش زبان هندی
آموزش زبان اردو
آموزش زبان بنگالی
آموزش زبان تایلندی
آموزش زبان ویتنامی
آموزش زبان اندونزیایی
آموزش زبان مالایی
آموزش زبان فیلیپینی
آموزش زبان تایوانی
آموزش زبان هنگ کنگی
آموزش زبان تایوانی
آموزش زبان هنگ کنگی
آموزش زبان تایوانی
آموزش زبان هنگ کنگی